

Explaining the Steps of the Political Education (Politicization Pathway) Based on Cognitive Development Stages with Emphasis on Educational Courses

Gholamali Ahmadi *
Alireza Assareh **
Alireza Aminizarrin ***

Received: 2018/01/05
Accepted: 2018/02/14

Modeling the growth and development path in the Fundamental Reform Document of Education in the Islamic Republic of Iran is an issue that more than anything can guarantee the achievement of educational system goals. Meanwhile, Socio-political area by achieving of its educational goals can ensure the realization of the concepts such as responsible, active and participating citizen that each educational system follows it.

In this article, the authors are seeking to answer the question, “what is the Politicization Pathway in the education system, and what are its stages based on cognitive development with emphasis on educational courses?”. While They are addressing the concept of politics based on three classic, new and Islamic approaches, and providing the desired definition of this research, they are trying to conceptualize pathway through which the educators can understand political concepts and analyses through passing its steps named politicization pathway and political education with regard to educational courses based on cognitive development characteristics and make decision on social expediency by having a correct political and social attitude.

The achievements of this research in practice, in addition to important educational aspects of the education system of the country in the period of general education and higher education, are increase the legitimacy and qualitative improvement of the political system of the country based on the responsible participation and role of citizens in political and social scene.

To this end, the present study was conducted with Q quantitative qualitative methodology in three stages of semi-structured interviews and its analysis by Strauss and Corbin coding, prioritization of the categories and analysis based on the Friedman's non-parametric test and then the merging and naming six steps of political education (politicization pathway). At the end of the research, the steps taken to achieve the goals of Bloom's learning are compared and evaluated in three areas of cognitive, emotional, and psycho-motor , as well as the educational courses based on students developmental stages.

Keywords: Politics, Political Education, Politicization Pathways, Cognitive Goals and Educational Courses

* Associate Professor at Shahid Rajaee University,
** Associate Professor at Shahid Rajaee University,
*** Ph.D. student at Shahid Rajaee University,

ahmadygholamali@gmail.com
alireza_assareh@yahoo.com
ar.aminizarrin@gmail.com

تبیین مراحل تعلیم و تربیت سیاسی (گذرگاه سیاست‌پذیری) بر مبنای مراحل رشد شناختی با تأکید بر دوره‌های تحصیلی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۲۵

غلامعلی احمدی *

علیرضا عصاره **

علیرضا امینی زرین ***

چکیده

الگوسازی مسیر رشد و بالندگی ساحت‌های سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران موضوعی است که بیش از هر چیز می‌تواند دستیابی به اهداف آموزشی این نظام را تضمین نماید. در این میان، ساحت اجتماعی - سیاسی با تحقق اهداف آموزشی آن می‌تواند متضمن مفاهیمی چون شهروند مسئول، نقش‌آفرین و مشارکت‌کننده‌ای باشد که هر نظام آموزشی در پی تربیت آن است.

در این پژوهش نگارندگان برای دست‌یافتن به پاسخ این پرسش که گذرگاه سیاست‌پذیری در نظام تعلیم و تربیت چیست و مراحل آن مبتنی بر رشد شناختی با تأکید بر دوره‌های تحصیلی کدام است، ضمن پرداختن به مفهوم سیاست بر اساس سه رویکرد کلاسیک، جدید و اسلامی و ارائه تعریف مورد نظر این پژوهش، سعی در مفهوم‌پردازی گذرگاهی داشته‌اند که متریبان با عبور از مراحل آن تحت عنوان گذرگاه سیاست‌پذیری و تعلیم و تربیت سیاسی، بتوانند مفاهیم و تحلیل‌های سیاسی را با توجه به دوره‌های آموزشی مبتنی بر ویژگی‌های رشدی خویش درک نموده و با برخورداری از نگرشی سیاسی و اجتماعی صحیح، بر اساس مصلحت اجتماعی رفتار و تصمیم‌گیری نمایند.

ahmadygholamali@gmail.com

alireza_assareh@yahoo.com

ar.aminizarrin@gmail.com

* دانشیار دانشگاه شهید رجایی

** دانشیار دانشگاه شهید رجایی

*** دانشجوی دکتری دانشگاه شهید رجایی (نویسنده مسئول)

دستاوردهای این پژوهش در حوزه عمل، علاوه بر جنبه‌های تربیتی حائز اهمیت نظام تعلیم و تربیت کشور در دوره آموزش عمومی و آموزش عالی، سبب افزایش مشروعیت و ارتقای کیفی نظام سیاسی کشور در گرو حضور و نقش‌آفرینی مسئولان شهروندان در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی خواهد شد.

به این منظور، پژوهش آمیخته حاضر با روش کیفی - کمی کیو در سه مرحله مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و تحلیل آن از طریق کدگذاری به روش استراوس و کوربین، اولویت‌بندی مقوله‌ها و تحلیل بر اساس آزمون غیرپارامتری فریدمن و سپس ادغام و نام‌گذاری مراحل شش‌گانه تعلیم و تربیت سیاسی (گذرگاه سیاست‌پذیری) انجام شد. در انتهای پژوهش، مراحل به‌دست آمده با اهداف یادگیری بلوم در سه حیطه شناختی، عاطفی و روانی - حرکتی و همچنین دوره آموزشی مبتنی بر مراحل رشدی دانش‌آموزان مقایسه و مورد بررسی قرار گرفت.

واژگان کلیدی: سیاست، تعلیم و تربیت سیاسی، گذرگاه سیاست‌پذیری، اهداف شناختی و دوره‌های آموزشی.

مقدمه

انسان از طریق تربیت شکوفا گردیده و مسیر دستیابی وی به توانایی‌های گوناگون بشری از طریق آموزش میسر می‌شود. لذا رشد و بالندگی انسان در گرو رویکردهای متعالی و مترقی نظام تربیتی وی است. یکی از مهم‌ترین کارکردهای نظام آموزشی، تعلیم و تربیت سیاسی است. امروزه تعلیم و تربیت سیاسی و اجتماعی در همه کشورها در اولویت سیاست‌گذاری‌های آموزشی قرار داشته و کشورها به نوعی در آن سرمایه‌گذاری می‌کنند. به عبارتی دیگر نظام‌های آموزشی به منظور پاسخگویی به انتظارات و نیازهای جمعی شهروندان و همچنین تعلیم و تربیت سیاسی و اجتماعی که دارای خصوصیات مورد نظر جامعه باشند، بخش عظیمی از منابع خود را صرف آن می‌نمایند (نادرپور، ۱۳۸۲). بدون تردید رشد، توسعه و بالندگی کشورها در همه حوزه‌های زندگی در گرو بازیافتن نسل فردا و اهتمام به تعلیم و تربیت سیاسی و اجتماعی آنهاست. لذا یک جامعه توسعه‌یافته نیازمند افرادی با بینش سیاسی جامع‌نگر و با قدرت بالای درک، شناخت و تجزیه و تحلیل سیاسی است. بر این

اساس، توسعه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیازمند یک فرهنگ غنی و پویاست که در فرآیند آموزش عمومی شکل گرفته و نهادینه شده باشد؛ این خود مستلزم آن است که فرد به‌عنوان ابزار اصلی و عامل توسعه‌یافتگی پایدار در طی فرآیند جامعه‌پذیری، شاکله‌های اصلی و ضروری توسعه را درونی کرده باشد.

از این‌رو، پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این پرسش اصلی است که گذرگاه سیاست‌پذیری در نظام تعلیم و تربیت چیست و مراحل آن مبتنی بر رشد شناختی با تأکید بر دوره‌های تحصیلی کدام است؟ برای دست‌یافتن به پاسخ آن در ابتدا به تبیین مسئله پژوهش پرداخته خواهد شد.

۱. بیان مسئله

امروزه این فرض پذیرفته شده است که برای آنکه شهروندان به نحوی مطلوب‌تر بتوانند ترجیحات خود را ابراز و نمایندگانشان را انتخاب نمایند، باید از حداقل تعلیم و تربیت سیاسی در زمینه نظام سیاسی برخوردار باشند (نایمی و جون، ۱۹۸۸، به نقل از مسعودنیا، ۱۳۸۷). در واقع، یکی از اثرات مهم تعلیم و تربیت سیاسی در نظام‌های مبتنی بر مشارکت این است که شهروندان از ابزار و سازوکارهای گوناگون کنترل مقامات منتخب برای پیشگیری عدول از قدرت خود و نیز پاسخگو نگه‌داشتن آن‌ها در برابر مردم بهره می‌گیرند. به‌طور کلی فرضیه پذیرفته شده این است که شهروندان برای این منظور باید از سواد و اطلاعات کافی درباره سیاست و موضوعات اجتماعی برخوردار باشند (مسعودنیا، ۱۳۸۷).

در راستای اهمیت تعلیم و تربیت سیاسی در حکومت‌های مردمی و اینکه افراد شهروندانی شایسته باشند، باید به اندازه کافی از سیاست آگاهی داشته باشند، کارپینی^۱ و کیتیر^۲ استدلال می‌کنند که احتمال مشارکت شهروندان مطلع، در سیاست بیشتر است و آنان بهتر می‌توانند منافع شخصی خود را تشخیص داده و بهتر می‌توانند نفع فردی خود را با افکار و ایده‌های خاص درباره سیاست ارتباط دهند. آنان به احتمال زیاد دارای افکاری هستند که از انسجام کافی برخوردارند و در طول زمان ثابت می‌مانند و به احتمال زیاد افکارشان را به‌گونه‌ای عقلانی و معنادار، به مشارکت سیاسی خود

ارتباط می‌دهند. از نظر آن‌ها، هر چه شهروندان، بیشتر مطلع باشند، به احتمال زیاد سایر لوازم و شرایط شهروندی مطلوب، نظیر مدارای سیاسی را از خود نشان می‌دهند (کارپینی و کیتز، ۱۹۹۶، به نقل از مسعودنیا، ۱۳۸۷).

از سوی دیگر یک نظام سیاسی هر اندازه از مشارکت عمومی و سیاسی برخاسته از تعلیم و تربیت سیاسی در اداره امور جامعه خویش برخوردار باشد، به همان میزان از مشروعیت و حقانیت بیشتری بهرمنند می‌شود. بدین معنا که مردم با مشارکت در سرنوشت مشترک خود، خویشان را با حکومت و سازمان اجرایی جامعه، هماهنگ و در تعادل می‌بینند و حکومت نیز در پیشبرد امور، به اعمال زور، خشونت و قوه قهریه نیازی نداشته و ثبات، تداوم، بقا و ماندگاری آن نظام سیاسی تضمین خواهد شد (علمی، ۱۳۸۷). بنابراین می‌توان بر این نکته تأکید نمود که امروزه تداوم حیات و پیشرفت جوامع در گرو وجود شهروندانی فعال، مسئولیت‌پذیر و باسواد و آگاه نسبت به وضع سیاسی و اجتماعی است. با آگاه‌شدن افراد به حقوق خویش، حقوق دیگران، مسئولیت خود در قبال جامعه و بالعکس، نظم اجتماعی روند رو به رشدی به خود گرفته و جامعه به جامعه‌ای پویا تبدیل می‌شود (نیلی و همکاران، ۱۳۹۳).

در مفهوم‌پردازی تعلیم و تربیت سیاسی در نظام‌های آموزشی مختلف جهان، آموزش سیاسی مجزای از تدریس علوم سیاسی و مسائل مربوط به دولت است. آموزش سیاسی صرفاً فرآیندی آکادمیک نیست و مفهومی گسترده‌تر از علم سیاست است و بر مشارکت و عمل تأکید دارد (لی، ۱۹۹۷). تعلیم و تربیت سیاسی به عنوان زیرمجموعه تربیت اجتماعی، از اهمیت بالایی برخوردار است و شاید بتوان گفت که از میان کارکردها و نقش‌هایی که برعهده نظام آموزشی یک کشور است، آموزش سیاسی و مدنی یکی از مهم‌ترین کارکردهای آن است، زیرا تداوم حیات جامعه تا حد زیادی به این کارکرد بستگی دارد (معین‌آبادی و سلطانی، ۱۳۹۴).

پهنه و گستره سیاست منظومه‌ای است که حرکت و سیر تکاملی در آن از طریق مراحل ممکن است که هر کدام وام‌دار کلید واژه‌های مطرح در این گذرگاه است. به نظر می‌رسد تسلط بر هر کدام از این مفاهیم و مبادی مطرح در این گستره می‌تواند به منزله مرحله یا گام‌هایی محسوب شود که متریان برای اشراف و به‌دست آوردن یک دید

کلی ناگزیر از عبور از هر کدام با ویژگی‌های ترتیبی هستند.

نیلی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی میزان سواد سیاسی و اجتماعی شهروندان بزرگسال شهر اصفهان» با هدف تعیین میزان سواد اجتماعی و سیاسی بزرگسالان شرکت‌کننده در مراکز آموزشی غیر رسمی بزرگسالان شهر اصفهان، نتیجه می‌گیرند که در جامعه ایران، میزان سواد اجتماعی و سیاسی شهروندان بزرگسال در حد مطلوب نیست.

رضوی و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی با نام «بررسی تربیت سیاسی در برنامه درسی رسمی دوره ابتدایی» به بررسی وضعیت فعلی تربیت سیاسی در برنامه درسی رسمی یا فعلی دوره ابتدایی پرداخته و بر این اساس نتیجه می‌گیرند که از منظر تربیت سیاسی، در برنامه درسی دوره ابتدایی تأکید زیادی بر اهداف شناختی است. در وهله دوم، تأکید بر اهداف نگرشی و در نهایت بعد مهارتی یا رفتاری در برنامه درسی دوره ابتدایی بسیار کم‌رنگ است.

دیویس^۳ و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان «سواد سیاسی در ژاپن و انگلستان» به موضوع سواد سیاسی در این دو کشور پرداخته است. نویسندگان در جریان پژوهش خویش دو مدرسه در انگلستان و سه مدرسه در ژاپن را به عنوان گروه آزمایش مورد مطالعه قرار دادند. در انگلستان موضوع آموزش شهروندی و در ژاپن مسئله فهم مشارکت در جامعه معاصر محور پژوهش قرار گرفت. گفتمان سیاسی بر مبنای برخی از مفاهیم سیاسی کلیدی مبنای این پژوهش قرار گرفت. در هر دو کشور تمرکز بر افزایش دانش و مهارت سیاسی با پرداختن به مفاهیم سیاسی به‌طور ضمنی و پنهان بوده است. نویسندگان در پایان پژوهش خویش بیان می‌دارند که علی‌رغم ادعای معلمین در پرداختن به مفاهیم سیاسی، اما آنان بیشتر متوجه محتوای آشکار سیاسی بوده‌اند.

هیو باشل^۴ (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان «سواد سیاسی» ضمن بررسی مؤلفه‌های سه‌گانه آموزش شهروندی (مسئولیت اجتماعی و اخلاقی، مشارکت و نقش‌آفرینی اجتماعی و سواد سیاسی) به این نکته می‌پردازد که علی‌رغم اهمیت این سه مؤلفه، اما در مدارس و مهم‌تر از آن در سطح آموزش عالی نسبت به مؤلفه سواد سیاسی توجه کمتری وجود دارد.

آنا دوگلاس^۵ (۲۰۰۲) در پژوهشی با عنوان «آموزش برای رسیدن به یک دنیای سیاسی: روش‌هایی برای توسعه سواد سیاسی» به این مهم می‌پردازد که در تمام موضوعات درسی در نظام برنامه‌درسی باید نسبت به روش‌های مشارکت‌دهی دانش‌آموزان تأمل شود.

برنارد کریک و پورتر^۶ (۱۹۷۸) از مشهورترین اندیشمندان حوزه تربیت شهروندی در جهان در کتاب مشهور خود با عنوان «آموزش سیاسی و سواد سیاسی»، دانش سیاسی را به عنوان بخشی از سواد سیاسی و نیز سواد سیاسی را به عنوان بخش سه‌گانه آموزش شهروندی (مسئولیت اجتماعی و اخلاقی، حضور و مشارکت در اجتماع و سواد سیاسی) دانسته و این آموزش را در جهت حفظ و ارتقای فهم سیاسی و شناخت موضوعات سیاسی درگیر در زندگی اجتماعی می‌داند.

بنابراین حوزه تعلیم و تربیت سیاسی را می‌توان برخوردار از واژگانی چون آگاهی سیاسی^۷، دانش سیاسی^۸، سواد سیاسی^۹، تربیت سیاسی^{۱۰}، متربی سیاسی^{۱۱} و مربی سیاسی^{۱۲} یا سیاستمدار^{۱۳} دانست که هر کدام ناظر بر یکی از ابعاد و اشکال گذرگاه سیاست‌پذیری است. گو اینکه مفاهیم مرتبط سیاست و تعلیم و تربیت در عرصه‌های بومی و بین‌المللی با این کلید واژگان و اصطلاحات، عجین بوده و خالق مفهومی باعنوان کلی «گذرگاه‌های سیاست‌پذیری»^{۱۴} در این مجال هستند (جیمز پی، ۱۹۷۵).

بنابراین، مسئله اساسی در این پژوهش آن است که، ضمن بررسی مفهوم سیاست بر اساس سه رویکرد کلاسیک، جدید و اسلامی و ارائه تعریف مورد نظر این پژوهش به همراه مرور تحلیلی مبانی سیاسی، تاریخی، فلسفی و جامعه‌شناختی تعلیم و تربیت سیاسی به تبیین مفهوم گذرگاه سیاست‌پذیری به صورت دقیق و بیان تمایز اشکال تعلیم و تربیت سیاسی بپردازد.

پژوهش آمیخته حاضر با روش کیفی - کمی کیو صورت می‌گیرد. این روش را پیوند روش‌های کیفی و کمی می‌دانند، زیرا از سویی نتایج از طریق تحلیل عاملی که روشی کمی است، حاصل می‌شود و از دیگر سو، مانند روش‌های پژوهش کیفی بایستی تعداد کمی از مشارکت‌کنندگان را به شکلی هدفمند انتخاب نمود. در روش کیو از فرآیندی پنج مرحله‌ای استفاده می‌شود. تولید مجموعه عبارات^{۱۵}

(گزاره‌های کیو)، انتخاب مجموعه مشارکت‌کنندگان^{۱۶}، گرد آوری داده‌های مرتب شده کیو^{۱۷}، انجام همبستگی و تحلیل عاملی و تفسیر عامل‌ها از جمله پنج مرحله این روش هستند (خوشگویان فرد، ۱۳۸۶).

در پژوهش حاضر، سه مرحله کلی مصاحبه نیمه‌ساختاریافته به همراه تحلیل کدگذاری به روش استراوس و کوربین، اولویت‌بندی مقوله‌ها و تحلیل بر اساس آزمون غیرپارامتری فریدمن و سپس ادغام و نام‌گذاری مراحل شش‌گانه تعلیم و تربیت سیاسی (گذرگاه سیاست‌پذیری) پیگیری می‌شود. در انتهای پژوهش، مراحل به دست‌آمده با اهداف یادگیری بلوم در سه حیطه شناختی، عاطفی و روانی - حرکتی و همچنین دوره آموزشی مبتنی بر مراحل رشدی دانش‌آموزان مقایسه و مورد بررسی قرار می‌گیرد. در تأکید بر جنبه نوآورانه پژوهش حاضر در مقایسه با پژوهش‌های مشابه داخلی و خارجی که بیشتر مورد بررسی قرار گرفت، ذکر این نکته حائز اهمیت است که در بسیاری از این پژوهش‌ها مرز مشخص و تبیینی مدون از اشکال تعلیم و تربیت سیاسی وجود ندارد؛ به‌گونه‌ای که در موارد مختلف، پژوهش‌ها با موضوع تربیت سیاسی، آگاهی سیاسی، دانش سیاسی و سواد سیاسی در مقایسه با یکدیگر از مفهوم‌پردازی مشابه برخوردار است. لذا در پژوهش حاضر به این مهم با عنایت به مبانی روانشناختی گذرگاه سیاسی پرداخته خواهد شد.

۲. اهمیت و ضرورت پژوهش

الف) اهمیت پژوهش حاضر از بعد نظری باعث غنای مبانی نظری حوزه تعلیم و تربیت سیاسی شده و با توجه به محدودیت مبانی نظری تعلیم و تربیت سیاسی، از نتایج این پژوهش، کارشناسان، مؤلفان و برنامه‌ریزان درسی بهره‌مند خواهند شد. تاکنون پژوهش‌های به عمل آمده در این حوزه چه در ارتباط با برنامه‌درسی و چه حوزه تعلیم و تربیت سیاسی، به این مقوله به صورت بسیار ناچیز و محدود پرداخته و در اندک تعدادی که موضوع پژوهش در آن‌ها مطرح است، مابین مفاهیم تعلیم و تربیت سیاسی نظیر آگاهی سیاسی، دانش سیاسی، سواد سیاسی و تربیت سیاسی تفکیک نظری دقیق صورت نگرفته که پرداختن به این مهم از اهداف مطلوب در این پژوهش است.

همچنین از بعد عملی، مطالعات انجام شده در خصوص تربیت سیاسی، حکایت از آن دارد که تمایلات و آمادگی‌های روانی لازم برای یادگیری سیاسی تا سنین ۱۲ یا ۱۳ سالگی تا حد مناسبی در افراد تثبیت می‌شود (رضوی و همکاران، ۱۳۸۹). بدین ترتیب، مهم‌ترین جوانب شخصیت سیاسی در سال‌های اولیه آموزشی به دست می‌آید و آنچه که دانش‌آموز در سال‌های تحصیل خویش می‌آموزد، سالیان سال با او باقی می‌ماند و رفتار سیاسی آتی او را شکل می‌دهد (همان). توجه به تعلیم و تربیت سیاسی در برنامه‌های درسی آموزش و پرورش و نظام تربیتی کشور علاوه بر معماری آینده کشور از سوی متریبان، در واقع بهره‌برداری زمانی از بهترین فرصت تربیت سیاسی نسل آینده به عنوان شهروندان فعال، کنشگر، مسئولیت‌پذیر و مشارکت‌جو می‌باشد.

ب) در خصوص ضرورت پژوهش حاضر، عدم دسته‌بندی شفاف مابین مفاهیم عمیق و کلیدی حوزه تعلیم و تربیت سیاسی مبتنی بر مبانی روانشناختی و اصول آموزشی، ضمن مخدوش نمودن ادبیات این عرصه، فهم و نهایتاً برنامه‌ریزی برای تحقق اهداف ساحت سیاسی - اجتماعی سند برنامه درسی ملی را دشوار یا در مواردی غیرممکن می‌سازد. همچنین نبود جریان مناسب در برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر مبانی نظری تعلیم و تربیت سیاسی در عرصه عمل، اهداف و تحقق کارکردهای نظام حاکم را با تهدیدات جدی مواجه خواهد ساخت. این مهم غیر از آنکه به مفهوم بی‌سوادی سیاسی منجر خواهد شد، رغبت نوجوانان و جوانان به مشارکت و حضور در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی کشور و نقش‌آفرینی مؤثر و کارآمد در جامعه خویش را کاهش خواهد داد.

۳. مبانی نظری پژوهش

۳-۱. مفهوم‌پردازی سیاست

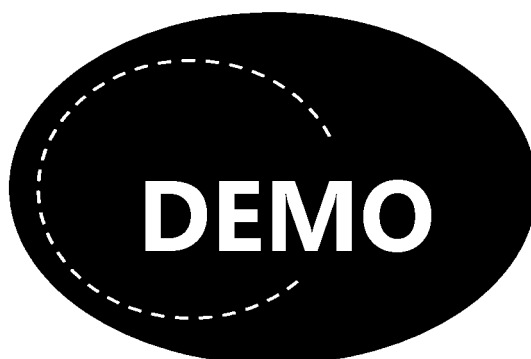
تعلیم و تربیت سیاسی از دوران باستان تاکنون مورد توجه فیلسوفان و اندیشمندان بوده است. از بررسی‌های به عمل آمده مشخص شد که امروزه تصور رایج آن است که موضوع سیاست، «قدرت» است که در اشکال مختلف «دولت‌ها» و «حکومت‌ها» بروز و ظهور می‌کند. این تصور ریشه در اندیشه سیاسی غرب در دوره رنسانس در اندیشه متفکرانی

چون ماکیاوولی دارد و به عنوان موضوع سیاست مطرح می‌شود. در واقع در این دوران در مفهوم سیاست انحرافی رخ داد که باعث تغییر نقش اخلاق و تربیت شد (اسکینر، ۱۳۷۵ به نقل از سلحشوری و همکاران، ۱۳۹۱) که در نتیجه این دو در خدمت تأمین منافع قدرتمندان قرار گرفته و سیاست به منظور حفظ قدرت به کار رفت و اخلاقی کردن حوزه سیاست نه در خدمت انسانیت، بلکه برای تأمین اهداف و منافع شخصی به کار گرفته شد (لواین، ۱۳۸۰). در این تلقی، قدرت همواره بیانگر نوعی سلطه و کنترل سیاسی بر مردم و امور به صورت محسوس و مادی است که همان تسلط بر ابدان و اجسام است. چرخش موضوع سیاست از تربیت به قدرت باعث شد که قدرت سیاسی جایگزین تربیت سیاسی شود و امروزه تعلیم و تربیت سیاسی بیشتر در محدوده جامعه‌شناسی یا به عبارت دیگر در جامعه‌پذیر کردن افراد نقش دارد و برای تربیت سیاسی ویژگی‌هایی مطرح می‌شود که نوعاً به معنای پذیرش ظاهری و مورد تصویب بشری است؛ به گونه‌ای که بتواند در فرآیند مشارکت سیاسی، نقش بیشتری داشته باشد (عالم، ۱۳۸۲).

این در حالی است که با مطالعه عمیق متون دینی و همچنین آثار فیلسوفان و متفکران اسلامی گذشته، پی می‌بریم که موضوع سیاست نه قدرت و دولت، بلکه «تربیت» است (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۷). این مسئله، منحصر در متون دینی و اندیشه اسلامی نیست، در یونان باستان نیز متفکران بزرگی همانند سقراط و افلاطون، سیاست را بر اساس اخلاق و تربیت و در خدمت آنان دانسته و موضوع سیاست را تربیت می‌دانند (ارسطو، ۱۳۷۱) (افلاطون، ۱۳۸۶). در نگاه افلاطون، مرد سیاسی راستین کسی است که از هنر سیاست به معنای هنر تربیت انسان‌های آزاد، برخوردار است و مطابق آن عمل می‌کند؛ در این تلقی، سیاست به معنای تربیت انسان‌های مختار و آزاد است که امری فوق‌العاده حساس و مربوط به تحول درونی و باطنی است. در متون اسلامی همانند قرآن و روایات معصومین (علیهم‌السلام) نیز تربیت سیاسی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. تعلیم و تربیت سیاسی در دیدگاه اسلام، به پرورش معنوی و باطنی انسان‌های آزاد و با اراده نظر دارد که نه تنها در نحوه سازماندهی زندگی دنیوی، بلکه مصالح و سعادت اخوری را هم فراهم می‌کند. در اندیشه فیلسوفان و متفکران اسلامی گذشته مانند فارابی نیز تربیت سیاسی بسیار حائز اهمیت است، اما پس از ظهور مدرنیته و به ویژه در دوره معاصر به

دلیل آنکه سیاست استحاله معنا یافته است، عمده متفکران اسلامی معاصر نیز تحت تأثیر چنین رویکردی، مفهوم سیاست را در این دوره و با محوریت موضوع قدرت مورد بحث و بررسی خویش قرار دادند. ایشان با مفروض و بدیهی دانستن قدرت به عنوان موضوع سیاست به دنبال نوعی مشروعیت قدرت در متون دینی هستند که صرفاً محسوس و مادی است؛ درحالی که آنچه در متون دینی، حائز اهمیت است، تربیت است. چنانچه پیشتر بدان اشاره شد، امام خمینی (علیه السلام) که دیدگاه ایشان برگرفته از جهان بینی اسلامی است، سیاست را مترادف تربیت و حرکت به سمت کمال متعالی و الهی برشمردند (سلحشوری و همکاران، ۱۳۹۱). ایشان پیوسته رعایت ارزش های انسانی را تذکر می دهد به طوری که دور شدن از ارزش های اسلامی و انسانی را به عنوان جدی ترین آسیب و شاید تنها آسیب نظام اسلامی می داند. بنابراین هر چند در دوره معاصر، سیاست بدین معنا چندان جایگاهی در مباحث برخی از اندیشمندان اسلامی معاصر نداشته است اما اهمیت آن، ریشه دینی و تاریخی دارد که در پژوهش نیز سعی شده است علی رغم بررسی سیاست در قالب مفهوم فعلی و جهانی آن، از تعریف و نگاه تربیتی و اصلی آن به عنوان رویکرد محوری این حوزه تخطی نشود.

به منظور جمع بندی نظرات فیلسوفان و اندیشمندان در سه حوزه کلاسیک، نگاه نو و نگاه اسلامی از منظر سیاست و نگاه ایشان به مفهوم سیاست، نمودار شماره یک و در ادامه جدول شماره یک مبنی بر ارتباط نظرات در خصوص سیاست با سه مفهوم قدرت، دولت و تربیت ارائه می گردد.



نمودار شماره یک - تقابل تربیت، دولت و سیاست در لوای حکومت مشروع

جدول شماره ۱- جمع‌بندی تعاریف سیاست

دوره‌گاه	اندیشه‌مند	گزینه نظر	تسین و تعریف سیاست
کلاسیک	انلاطون	... مهم‌ترین کار در سیاست، تربیت فیلسوفان برای فرماتروایی است و به واقع فضیلت فردی با فضیلت سیاسی یکی است...	تربیت
	ارسطو	... دولت با دولت‌شهر برای تحقق بالاترین ظرفیت‌های وجودی انسان و برای سعادت پدید آمده	تربیت و دولت
نقدی	مک‌یاورلو	...	قدرت
	هابز	...	قدرت و دولت
مدرنی	لاک	... اساس نظریه‌ی سیاسی لاک، در مورد منشأ تشکیل حکومت، قرارداد اجتماعی است.	دولت
	روسو	... روسو از قدیسمندانی است که نظریه حاکمیت مردم و اراده عمومی را که اکنون جزء ارکان دموکراسی هستند، تدوین کرد. ... مشارکت سیاسی را به منزله فعالیت و فرآیندی در خود-شکوفایی و خود-فرهیختگی فرد به شمار می‌آورد	تربیت و دولت
	فارابی	غایت انسان‌ها را سعادت و تحقیق سعادت را در برتری سیاست حکیمانه دانسته است که در این صورت نسبت با حکمت ضروری می‌شود. ... وی بر این باور است که سیاست جزئی از علم مدنی است. یکی از کارکردهای علم مدنی، شناخت دولت و حکومت است.	تربیت و دولت
	این	...	دولت مشروع
مدرنی	خواجه نظام	...	قدرت و تربیت
	بن خلد	...	قدرت و دولت
	اسام خمینی	برای تربیت انسان متمدن و با فضیلت می‌داند؛ به این معنا که حکومت باید شرایط مساعدی برای تربیت انسان مؤمن فراهم آورد. در این معنا، حکومت اسلامی، اساساً دارای جهت‌گیری و کارکردی تربیتی است	تربیت و حکومت مشروع

۲-۳. مبانی سیاسی تعلیم و تربیت

آموزش و پرورش یکی از مهم‌ترین عوامل تغییر اجتماعی است (چانتیا، ۲۰۰۶). نظام آموزش و پرورش به عنوان یک نظام گسترده و وسیع اجتماعی از ابزارهای مختلفی برای تغییر اجتماعی بهره می‌گیرد که برنامه درسی^{۱۸} از مهم‌ترین آنهاست. جامعه‌شناسان در پژوهش‌های خود برای توضیح تغییرات اجتماعی، داده‌های تاریخی را برای درک تغییرات و جنبش‌های حال حاضر بررسی کرده‌اند. این پژوهش‌ها، عمدتاً بر سه تئوری بنیادی تغییرات اجتماعی شامل تئوری تکامل اجتماعی^{۱۹}، کارکردگرایی^{۲۰} و تئوری تعارض^{۲۱} تأکید کرده‌اند (معروفی، ۱۳۹۴ به نقل از آلن، ۲۰۰۲). در دیدگاهی دیگر، تغییر

اجتماعی بر این باور استوار است که آموزش و پرورش می‌تواند در تجدید ساختار جامعه ایفای نقش نماید. در این دیدگاه از سه رویکرد تغییر اجتماعی نام برده شده است: بازسازی^{۲۲}، آموزش سواد اجتماعی^{۲۳} و کنش اجتماعی^{۲۴} (میلر، ترجمه مهرمحمدی، ۱۳۸۷). در میان دیدگاه‌های اجتماعی، نظریه بازسازی یا بازسازی اجتماعی^{۲۵} از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. طرفداران بازسازی اجتماعی ادعا می‌کنند که نظریه‌های تربیتی به‌جای آنکه انتزاعی و متکی به فلسفه‌های تعقلی باشند، خط‌مشی‌های اجتماعی و سیاسی را تدوین کنند (گوتک، ترجمه پاک‌سرشت، ۱۳۸۰). این طرفداران به عنوان «فعالان اجتماعی» در فعالیت‌های سیاسی شرکت می‌کنند و ارزش‌ها و مواضع قومی و نژادی مشخصی دارند. برای مربی‌ای که به بازسازی جامعه معتقد است، «بی‌طرفی سیاسی معنایی ندارد و معتقد است هیچ برنامه‌درسی از نظر ایدئولوژیکی یا سیاسی بی‌طرف نیست، یعنی مفاهیم و مطالب برنامه‌درسی به طبقات اجتماعی، جنسیت و قدرت مرتبط می‌باشند» (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۸۹ به نقل از مک‌لارن، ۲۰۰۷). طرفداران ایدئولوژی بازسازی اجتماعی با به‌کارگیری برنامه‌های سیاسی خود بر این مسئله تأکید دارند که همه مربیان باید یک برنامه سیاسی را تعقیب نمایند. اگر تلاش‌های درسی آنان در جهت بازسازی جامعه نباشد، در آن صورت در جهت حفظ جامعه فعلی، فعالیت می‌کنند و این دقیقاً مخالف برنامه سیاسی می‌باشد (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۸۹).

گفتمان سیاسی در برنامه درسی با تحلیل و واکاوی مفاهیم گوناگون مقاومت، عدالت اجتماعی، ساختار و ماهیت قدرت، ساختار و ماهیت ستم، فرهنگ سکوت، نقد، سواد اجتماعی، رهایی بخشی، قشربندی، لایه‌های پنهان برنامه درسی، خشتی نبودن و استیلا سروکار دارد (مون، ۲۰۱۲). در مقام جمع‌بندی گفتمان سیاسی، صاحب‌نظران و اندیشمندان مختلف بر اساس مبانی معرفتی و مبادی فکری خود به ارائه دیدگاه‌های خاص خود از تربیت اجتماعی و نقش مدرسه به‌طور عام و برنامه درسی به‌طور خاص پرداخته‌اند. لذا در مشهورترین و کلی‌ترین دسته‌بندی که در جدول فوق به اجمال به آن پرداخته شد، می‌توان مجموعه‌ای از نظریات را در قالب دیدگاه‌های محافظه‌کارانه^{۲۶}، انتقادی^{۲۷}، آزادمنشانه یا دموکراتیک^{۲۸} و فرانویگرای یا پست‌مدرن^{۲۹} مورد بررسی قرار داد (معروفی، ۱۳۹۴) که در ذیل به شرح آن پرداخته خواهد شد. نکته حائز اهمیت

آنکه هیچ نظریه‌ای در تأیید شیوه اقتدارگرایانه تربیتی در حوزه اندیشه سیاسی وجود ندارد؛ بدان معنا که تمام نظریه‌های مطرح شده درباره تعلیم و تربیت سیاسی به نوعی نقطه مقابل شیوه اقتدارگرایانه تربیتی قرار دارند. جدول شماره دو به اختصار با نگاهی تحلیلی این نظریات را مورد بررسی قرار می‌دهد.

جدول شماره ۲- نگاه اجمالی به نظریه‌های تعلیم و تربیت سیاسی

نظریه‌های تعلیم و تربیت سیاسی	
پیشرفت‌گرا	محافظه‌کار
فعال	مقتدل
<p>تصادفی</p> <p>می، ارزیابی)</p> <p>لاهی و آزادی بخش و ترسیم</p> <p>می، خودآگاهی و رهایی بخشی</p> <p>پل، هنری ژیرو، پیتروک لارنه</p>	<p>انتقال فرهنگی، کارکردگرایی، انطباق)</p> <p>آزادمنشانه</p> <p>خلاصه نظریه: تأکید بر آموزش و تربیت شهروندان مستقل و نقاد و احترام به تنوعها و آزادی تدبیر، نقد تجزیه و تحلیل وضعیت موجود و مشارکت در فرایندهای گروهی</p> <p>کلید واژهها: حقوق و مسؤیتهای، حقوق بشر، صلح و ثبات، مشارکت اجتماعی سیاسی، مهارتهای تصمیم‌گیری و حل‌مسئله</p> <p>تدبیرمندان: جان لاک، جان دیویی، چارلز سندرس پرس، ویلیام جیمز</p>
<p>موزشی، حمایت از محلی‌گرایی</p> <p>گری، در تعلیم و تربیت.</p> <p>ب از استیلائی فرهنگ خاص،</p> <p>دریدا، ژان بودریار و ریچارد</p>	<p>خلاصه نظریه: ناظر بر ح</p> <p>و انتقال آنها به نسلهای ج</p> <p>کلید واژهها: فرهنگ پذیر</p> <p>کنترل سیاسی</p> <p>تدبیرمندان: نالکووت</p> <p>اکوست کنت</p>
<p>درزنی</p> <p>تعلیم و تربیت برای تغییر سیاسی- اجتماعی</p>	<p>حاکمیت سیاست بر تعلیم و تربیت</p>

۳-۳. مبانی تاریخی تعلیم و تربیت سیاسی

نهادهای تربیتی، مولود مجموعه‌ای از عوامل و نیروهای اجتماعی، سیاسی و تاریخی هستند. تحلیل سیر تحولات این نهادها و وظایفی که طی هر دوره تاریخی به آنها

محول شده است، بدون در نظر گرفتن سایر نهادهای اجتماعی و حوادث تاریخی که در شکل دادن و توسعه دستگاه تربیتی مؤثر بوده‌اند غیر ممکن است. به اعتقاد یکی از تاریخ‌نگاران نامدار انگلیسی به نام میشل سدلر^{۳۰} که وقایع تربیتی جهان را در آینه تاریخ ملل بررسی کرده است، نظام‌های تربیتی کشوری را نمی‌توان در خلأ و به‌طور انتزاعی و دور از حوزه نفوذ فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی آن سرزمین مورد مطالعه قرار داد. وی تأکید بر این واقعیت دارد که مجموعه فعالیت‌های تربیتی به هر حال دستخوش قیود و محدودیت‌های عوامل تاریخی و نیروهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه و حتی مختصات اقلیمی و طبیعی است و نهاد تربیتی و فرآیند تربیت در طول عمر خویش همواره متأثر از آن است (آقازاده و آرمند، ۱۳۹۳).

در زمینه بررسی تاریخچه تعلیم و تربیت سیاسی در ایران با عنایت به تأثیرگذاری عوامل اجتماعی و فرهنگی هر عصر و مکان به اختصار برخی از نیروهایی که در شکل‌گیری فرآیند تعلیم و تربیت سیاسی در ایران در پنج دوره زمانی باستان تا عصر اسلام، از صدر اسلام تا تأسیس دارالفنون، تأسیس دارالفنون تا اواخر دوره قاجار، دوره پهلوی و بعد از انقلاب اسلامی بوده‌اند با نگاهی تحلیلی در جدول شماره سه مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول شماره ۳- نگاه اجمالی به مبانی تاریخی تعلیم و تربیت سیاسی

مبانی تاریخی تعلیم و تربیت سیاسی					
دوره	مبانی	تربیت	تربیت	تربیت	تربیت
پیش از اسلام	عمل	خاص‌گرایی غیرسیاسی			در این دوران تأکید بر تربیت خدماگزاران به
بعد از اسلام تا تأسیس دارالفنون	نظر	عام‌گرایی غیرسیاسی	DEMO		
تأسیس دارالفنون تا اواخر دوره قاجار	عمل	خاص‌گرایی سیاسی	تربیت علمی اجتماعی و سیاسی نخبگان و دولتمردان به منظور تغییر	تربیت تخصصی فردی	در کنار تربیت علمی نظامند و مبتنی بر نیاز عملی جامعه گام جدی در جهت تربیت سیاسی و اجتماعی نخبگان جامعه و نه عامه برای ورود به عرصه های اجتماعی و اداری برداشته شد.
دوره پهلوی	نظر	عام‌گرایی اجتماعی	DEMO		
بعد از انقلاب اسلامی	نظر	عام‌گرایی سیاسی	DEMO		
			اسلامی		تربیت رسمی

۳-۴. مبانی فلسفی تعلیم و تربیت سیاسی

اگر تعلیم و تربیت سیاسی را به‌طور اجمالی و عمومی و مبتنی بر تعریفی به معنای «فرآیندی که به موجب آن افراد، ضمن آشنا شدن با نظام‌سیاسی از طریق کسب اطلاعات و تجربیات به وظایف، مسئولیت‌ها، حقوق و نقش‌های خویش در جامعه پی می‌برند» (قوام، ۱۳۸۱) بدانیم، می‌توانیم تعلیم و تربیت سیاسی را مؤثر بر سه بعد به عنوان مبانی شکل‌گیری جهت‌گیری‌ها و ورود به این عرصه و محصول ترکیب آن‌ها دانست. بعد شناختی که به دانسته‌ها و باورهای مردم از نظام سیاسی مربوط است که ناظر به کسب اطلاعات، دانش و آگاهی در باب حکومت در رابطه متقابل فرد و حکومت است و به افزایش قدرت تحلیل و درک سیاسی مخاطبان تعلیم و تربیت

سیاسی منجر می‌شود و هدف آن رسیدن به چارچوب فکری سیاسی است. بعد عاطفی که به علایق، گرایش‌ها و تمایلات نسبتاً پایداری ناظر است که در جریان تعلیم و تربیت سیاسی در مخاطب ایجاد می‌شود. رشد نگرش‌های مطلوب و لازم نسبت به مسائل سیاسی از قبیل علاقه‌مندی به مسائل سیاسی، احترام به قانون و حکومت، سعه صدر نسبت به دیدگاه‌های مختلف و مخالف، احترام به ارزش‌های سیاسی و غیره را شامل می‌شود. بعد رفتاری و مهارتی که بر توانایی‌هایی ناظر است که مخاطب برنامه تعلیم و تربیت سیاسی به واسطه برخورداری از آن‌ها، وظایف و نقش‌های سیاسی خود را به عنوان شهروند سیاسی به خوبی ایفا می‌کند. آموختن مهارت‌های مطلوب برای مشارکت در مسائل سیاسی، شرکت در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، توانایی رفتار قانونی یا هر نوع رفتار معطوف به قدرت در حوزه مهارت‌های رفتاری تعلیم و تربیت سیاسی قرار دارد (باقری، ۱۳۸۹). لذا تعلیم و تربیت سیاسی، اولاً شناخت نظری از نظام سیاسی به‌دست می‌دهد. ثانیاً احساس افراد بر مبنای این شناخت، نضج می‌گیرد و در نهایت به بروز رفتار و عمل منتج می‌گردد که این عمل همانا ورود به عرصه عملی و جهت‌گیری نسبت به نظام سیاسی قلمداد می‌شود.

با توجه و استناد به چهار نظریه سیاسی در تعلیم و تربیت که پیش‌تر مورد بررسی قرار گرفت، برنامه‌های درسی مرتبط با تربیت سیاسی دارای اهداف و کارکردهای خاص خود خواهند بود. این پژوهش با توجه به ویژگی‌ها، مختصات و ظرفیت‌های دو دیدگاه محافظه‌کارانه مانند فرهنگ‌پذیری، احترام و تکریم ارزش‌های اجتماعی و نظم موجود، انتقال فرهنگی و جامعه‌پذیری و شهروندی دموکراتیک مانند تلاش در جهت نقد و تجزیه و تحلیل وضعیت موجود، مشارکت در فرآیندهای گروهی، مهارت تصمیم‌گیری و حل مسئله، می‌تواند تصویری مناسب و واقع‌بینانه از رویکرد تعلیم و تربیت سیاسی در نظام آموزشی ارائه دهد. البته مطلب فوق، لزوماً به معنای پذیرش تام و تمام مبانی فلسفی و معرفت‌شناختی رویکردهای مذکور، که نشأت گرفته از بنیادهای فکری و فرهنگی مغرب زمین بوده و یا به‌کارگیری مطلق و یک‌سویه یکی از این دو رویکرد، به عنوان فلسفه غالب و مسلط در نظام آموزشی کشور ما، که بر پایه مبادی و مبانی دینی و اسلامی شکل گرفته است، نمی‌باشد. بلکه همچنان‌که در فوق نیز آمد، منظور تأکید بر استفاده از

برخی ویژگی‌ها و ظرفیت‌های عملیاتی این رویکردها در حوزه اجرا و عمل آموزشی مثلاً آشنا ساختن، آموزش و انتقال ارزش‌های سیاسی و اجتماعی منبث از آموزه‌های دینی و مذهبی به دانش‌آموزان با توجه به رویکرد انتقال فرهنگی یا کمک به دانش‌آموزان در جهت نقد، تجزیه و تحلیل و مشارکت در مجموعه فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی در یک جامعه دیندار مبتنی بر ارزش‌های دینی و مذهبی، در مورد رویکرد شهروندی دموکراتی می‌باشد. البته بدیهی است که با توجه به ظرفیت‌های غنی معرفت‌شناختی و فکری فرهنگ اسلامی و ایرانی، امکان طراحی یک رویکرد بومی تعلیم و تربیت سیاسی مبتنی بر پیش‌فرض‌های خاص فرهنگ مذکور وجود دارد؛ لذا در خصوص مبانی فلسفی تعلیم و تربیت سیاسی از منظر اسلام به اختصار توضیحی ارائه می‌شود.

بر اساس مبانی اسلامی، تعلیم و تربیت سیاسی در چارچوب اصول راهنمای خاصی قرار می‌گیرد که به شش اصل مهم وفاداری، حق‌مداری، عدالت‌محوری، عقل‌گرایی، مشارکت‌طلبی و مسئولیت‌پذیری به عنوان مهم‌ترین اصول تشکیل‌دهنده جهت‌گیری اصلی تعلیم و تربیت سیاسی در متون و منابع دینی به حساب می‌آیند (میراحمدی، ۱۳۸۷). با توجه به این اصول شش‌گانه می‌توان جهت‌گیری اصلی تربیت سیاسی از دیدگاه اسلام را پیوند «دین و سیاست» یا «معنویت و سیاست» دانست. لذا از این طریق بنیان‌های معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی و انسان‌شناختی تعلیم و تربیت سیاسی به دست می‌آید. متون و منابع دینی با تدارک این بنیان‌های فلسفی، پایه‌ها و مبانی تعلیم و تربیت سیاسی را مطرح نموده، بر اساس آن‌ها، اصول تربیت سیاسی تنظیم و ارائه می‌گردد.

در خصوص مؤلفه‌های تعلیم و تربیت سیاسی، باقری (۱۳۸۹) از خدامحوری، فطرت‌محوری، تزکیه‌محوری، اخلاق‌مداری، ایجاد آگاهی و بصیرت و اهمیت محوری امر به معروف و نهر از منکر یاد می‌کند. وی بیان می‌دارد که دقت در هر یک از این اصول، نشان‌دهنده حساسیت اسلام بر مقوله تعلیم و تربیت سیاسی و تأثیر آن بر جامعه است. همان‌گونه که مشخص است، اخلاقی بودن جامعه و همچنین مناسبات سیاسی، مورد تأکید قرار دارد و اسلام، سلامت جامعه و سیاست و رشد و اعتلای آن را در گرو نهادینه شدن اخلاق از طریق آموزش و تربیت می‌داند؛ به عبارت دیگر، جامعه اسلامی زمانی در مسیر رشد و پیشرفت قرار می‌گیرد که تربیت آن اهم از اجتماعی و سیاسی بر

اخلاق مبتنی باشد. در نگاهی کلی می‌توان چنین استنتاج کرد که اسلام، توسعه همه‌جانبه را در گرو اخلاق‌مندی جامعه می‌داند و به این صورت بر فرهنگ به عنوان عاملی مؤثر و زیربنایی نسبت به سیاست تأکید می‌ورزد.

۳-۵. مبانی جامعه‌شناختی تعلیم و تربیت سیاسی

انسان فعلیت یافته در جامعه محصول کنش متقابل بین محیط طبیعت و وراثت از یکسو و محیط فرهنگی و اجتماعی می‌باشد؛ فرآیندی که متکفل برقراری این ارتباط و فعلیت‌دهی و شکوفاسازی یا احیاناً سرکوب و پرورش ناموزون سرمایه‌های طبیعی و زیستی، ظرفیت‌های ژنتیک و قابلیت‌های وجودی انسان می‌شود. این فرآیند به زبان جامعه‌شناختی، جامعه‌پذیری یا اجتماعی‌شدن و به زبان تعلیم و تربیت شکوفایی استعدادهای بالقوه نامیده می‌شود. جامعه‌پذیری کلید فهم کنش متقابل میان طبیعت و تربیت، ترکیب ابعاد زیستی و فرهنگی است (شربتیان، ۱۳۹۱).

جامعه‌پذیری فرآیند پویا، مداوم و اجتناب‌ناپذیر یادگیری الگوهای فکری و رفتاری، شیوه‌های زندگی، خلق و خوی جمعی و شکل‌گیری من اجتماعی، دستیابی به خود یا آگاه شدن از خود به عنوان یک موجود دارای هویت مشخص و مستقل، گره خوردن عمیق و وثیق فرد با جامعه و نسل‌های پیشین، بازتولید جامعه از طریق افراد و ضامن استمرار و پیوستگی خطی جامعه در توالی نسل‌های مختلف است. جامعه‌پذیری، فرآیند اخذ اعتقادات، گرایش‌ها، ارزش‌ها، هنجارها و عادات از فرهنگ یا فرآیند آموزش راه‌های زندگی کردن در جامعه، شخصیت‌یابی و بسط ظرفیت‌های وجودی در راستای انجام وظایف فردی و ایفای عضویت اجتماعی است (کوئن، ۱۳۸۰). به بیان دیگر، جامعه‌پذیری جریانی است که به برکت آن انسان، در طول حیات خویش تمامی عناصر اجتماعی و فرهنگی محیط خود را فرا گرفته، درونی می‌سازد و با ساخت شخصیت خود، تحت تأثیر تجارب و عوامل اجتماعی معنادار وحدت می‌بخشد؛ تا خود را با محیط اجتماعی که باید در آن زیست نماید، تطبیق دهد (روشه، ۱۳۷۰).

یکی از مهم‌ترین راه‌هایی که افراد به پذیرش شاخص‌های جامعه‌پذیری روی می‌آورند، در نهاد اجتماعی آموزش صورت می‌گیرد. سازمانی همچون دانشگاه و

مدرسه به عنوان زیرمجموعه این نهاد اجتماعی از طریق شیوه‌ها و رویکردهای عملی و نظری، افراد را برای این امر خطیر تربیت می‌کنند و استعدادها و خلاقیت‌های افراد را پرورش می‌دهند. بر اساس دستاوردهای برنامه‌ریزی درسی که در این سازمان‌ها از طریق تعامل و کنش‌های متقابل شکل می‌گیرد، سرمایه‌های بالقوه انسانی و اجتماعی افراد تبدیل به فعلیت شده و مطابق با ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگ حاکم بر نظام اجتماعی مهیا می‌گردد؛ و این جامعه و خود اوست که زمینه چنین فرآیند جامعه‌پذیری تربیتی را در حوزه‌های مختلف از جمله تعلیم و تربیت سیاسی فراهم می‌کند.

تعلیم و تربیت سیاسی در تعبیری، جریانی است که شخص از طریق آن، جهت‌گیری سیاسی خود را در جامعه به دست می‌آورد و به این ترتیب ارزش‌های سیاسی و اجتماعی از یک نسل به نسل بعدی منتقل می‌شود. این مهم در جریان آگاهی بخشی سیاسی و اجتماعی حاصل خواهد شد. لذا بررسی نظریات جامعه‌شناسی پیرامون موضوع آگاهی بخشی و آموزش و در نگاهی تحلیلی پیرامون موضوع تعلیم و تربیت سیاسی با هدف آگاهی بخشی سیاسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. جدول شماره پنج با نگاهی اجمالی، نمود و نقش تعلیم و تربیت سیاسی در جامعه را ارائه می‌دهد.

جدول شماره ۴- نگاه اجمالی به نمود و نقش تعلیم و تربیت سیاسی در جامعه

نمود و نقش تعلیم و تربیت سیاسی در جامعه		
پدیدارشناسی	کنش متقابل تمادین	مارکسیستی
DEMO		
جامعه‌پذیری سیاسی اندیشمندان: آلموند، پاول	اجتماعی در طول زمان است. به عبارت دیگر هر نظام اجتماعی می‌کوشد تا ارزش‌ها، نگرش‌ها و	دانش: کارل مارکس، انگلس
DEMO		
توسعه سیاسی اندیشمندان: س ماتینگون، لوسین پای، گابریل آلموند، سیدنی وریه، ریتلند چیکوت	آموزش، تربیت و آگاهی‌بخشی امکان‌پذیر خواهد بود.	ریشه‌های تقبیر و تحول ، فراز و نشیب‌های تغییر مع مختلف و کشمکش‌های اجتماعی می‌پردازند. و به کارکردهای اجتماعی در مسیر توسعه سیاسی مانند ظرفیت اجتماعی - سیاسی پرداخته‌اند.
DEMO		
تربیت شهروند اندیشمندان: داور پورتره لسره، جان پائ		می‌اجتماعی و طبقاتی

روش پژوهش

هدف این پژوهش، طراحی الگوی گذرگاه سیاست‌پذیری و مراحل آن در نظام تعلیم و تربیت مبتنی بر رشد شناختی و دوره‌های تحصیلی است. به این منظور در پاسخگویی به سؤال پژوهش و دستیابی به هدف مذکور از فنون سندکاوی و بررسی اسناد بالادستی و همچنین مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با صاحب‌نظران، متخصصان و دبیران سه حوزه

علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی درسی، به صورت هدفمند و گلوله برفی بهره گرفته شد. پژوهش آمیخته حاضر با روش کیفی - کمی کیو در سه مرحله مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و تحلیل آن از طریق کدگذاری به روش استراوس و کوربین (دستیابی به ۹۴ گویه کدگذاری باز، ۲۵ مقوله کدگذاری محوری و ۱۲ گزاره کدگذاری انتخابی)، اولویت‌بندی گزاره‌ها و تحلیل بر اساس آزمون غیرپارامتری فریدمن و سپس ادغام مبتنی بر تحلیل خوشه‌بندی دندروگرام و نام‌گذاری مراحل شش‌گانه تعلیم و تربیت سیاسی (گذرگاه سیاست‌پذیری) متناظر با اهداف یادگیری بلام در سه حیطه شناختی، عاطفی و روانی - حرکتی صورت گرفت.

در مرحله سندکاوی و مطالعه اسناد بالادستی و ادبیات موضوعه (کیفی) جهت گردآوری اطلاعات در زمینه مبانی نظری و ادبیات مربوطه از منابع اسنادی همانند کتاب‌ها، پژوهش‌ها، مقاله‌ها، همایش‌ها و همچنین منابع اینترنتی استفاده شد. مطالعات اسنادی، پژوهشگر را در نیل به هدف پژوهش، که عبارت است از مبانی نظری تعلیم و تربیت سیاسی و مراحل آن از طریق بررسی اسناد علمی و منابع مرتبط با این حوزه و همچنین اسناد بالادستی نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران انجام شده است. لذا در این مرحله با مطالعه اسنادی به سندکاوی و بررسی اسناد در دسترس از جامعه آماری اسناد مرتبط با حوزه تعلیم و تربیت سیاسی پرداخته شد این اسناد از میان مقالات این حوزه انتخاب شده است.

در مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با صاحب‌نظران (کیفی) جهت احصاء مفاهیم و مؤلفه‌های تعلیم و تربیت سیاسی از ابزار مصاحبه با خبرگان حوزه‌های علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی درسی استفاده گردید. سؤالاتی که در جلسات مصاحبه نیمه‌ساختاریافته مطرح شد عبارت بودند از:

۱. تعلیم و تربیت سیاسی چیست؟ اشکال سیاست‌پذیری و اشتغال سیاسی کدامند؟
۲. کلید واژه‌های مطرح در حوزه تعلیم و تربیت سیاسی چه می‌توانند باشند؟ تفاوت بین آن‌ها کدام است؟ (برای پیشبرد بحث ممکن بود که برخی از این کلید واژگان به مصاحبه‌شوندگان ارائه شود مانند: سوادسیاسی، تربیت سیاسی، آگاهی سیاسی، دانش سیاسی و...)

۳. در صورت قائل شدن مراحل برای رشد و تکامل تعلیم و تربیت سیاسی این مراحل کدامند؟

۴. مصادیق فعالیت‌های روزمره یک فرد سیاست‌پذیر کدامند؟

در مرحله کدگذاری عبارت‌های کیو (کیفی) مجموعه نود و چهار گویه مستخرج از سه منبع یادشده به صورت تجمیعی و به صورت یک عبارت کدگذاری باز شده است. در این فهرست گزاره‌های مشترک که حداقل در دو منبع آورده شده بود به صورت یک گزاره تجمیعی آمده است. پس از شکل‌دهی گزاره‌ها به صورت یک قابلیت یا یک مصداق رفتار مطلوب سیاسی حاصل شد. پس از کدگذاری باز، عبارت‌های که از نظر معنی و مصداقی به هم نزدیک بودند به صورت یک محور دسته‌بندی شد. در این مرحله ۲۵ عبارت انتخابی به ۱۲ محور نهایی تجمیع شدند. مبنای این خلاصه‌سازی، شباهت و قرابت معنایی عبارت‌های انتخابی بوده است. این امر باعث می‌شود تا شرکت‌کنندگان در وزن‌دهی و اولویت‌بندی این عبارت‌ها با دقت و تمرکز بیشتری اقدام نمایند. مجموع ۱۲ گزاره نهایی در جدول شماره شش آمده است. این گزاره‌های انتخابی در این جدول بدون اولویت و وزن بوده است. هر گزاره دربرگیرنده یک کلید واژه است که در سهولت اولویت‌بندی شرکت‌کنندگان مؤثر می‌باشد.

کلیدواژه	تجمیع عبارت‌ها زیرعنوانها (کدگذاری انتخابی)	
علاقه‌مند سیاسی	DEMO	۱. علاقه‌مند
مطلع سیاسی		۴. برخوردار
آشنا با ادبیات سیاسی		۳. حاضر در
فهمیم سیاسی		۵. قادر بر در
مشارکت‌کننده سیاسی		۶. مشارکت‌کننده
مدیر سیاسی		۶. مدیر و دستیار به بیس و سیاست‌مندان
تصمیم‌گیر سیاسی	تصمیم‌گیری از طریق ایجاد ارتباط منطقی میان مسائل و حوادث سیاسی	۷
محصل سیاسی	DEMO	۸. محصل و
فعال سیاسی		۹. ورود به فضا
تحلیل‌گر سیاسی		۱۰. تحلیل‌گر و
شاغل سیاسی		۱۱. خبره یا شاغل
مدرس سیاسی		۱۲. مدرس و

جدول شماره ۵- کدگذاری انتخابی (تفسیر)، تناسب با کلید واژه‌ها

در مرحله چهارم، اولویت‌بندی عبارت‌های کیو (کمی)، دوازده گزاره به شرح جدول هفت در اختیار دانشجویان کارشناسی‌ارشد قرار گرفت تا به ترتیب شدت و عمق سیاست‌پذیری از عام‌ترین محور تا تخصصی‌ترین آن‌ها اولویت‌بندی شوند. در پژوهش حاضر از میان دانشجویان رشته‌ها و گرایش‌های علوم سیاسی که در دو دانشگاه دولتی شهر تهران (تهران و علامه طباطبایی) مشغول به تحصیل بودند، تعداد ۴۰ نفر به‌عنوان مشارکت‌کنندگان پژوهش به‌صورت هدفمند^{۳۱} از نوع همگون^{۳۲} انتخاب شدند. دلیل انتخاب این دسته از افراد، قرارداشتن آن‌ها در بطن فعالیت‌های یاددهی - یادگیری رشته‌های مرتبط با علوم سیاسی می‌باشد. این انتخاب به کمک تلفیقی از نمونه‌گیری هدفمند و نمونه‌گیری گلوله برفی انجام شد. انتخاب مشارکت‌کنندگان در این پژوهش براساس «ارتباط نزدیک آن‌ها با موضوع پژوهش» و «اهمیت حضور آن‌ها در پژوهش» انجام شد.

ابزار پژوهش در مرحله چهارم، با توجه به محدودیت اجرا و تعداد کم عبارت‌ها، پرسشنامه محقق‌ساخته برای مرتب‌سازی کارت‌های کیو است. این پرسش‌نامه شامل دوازده عبارت متناظر با طبقه‌های به‌دست آمده از طریق مصاحبه با صاحب‌نظران از مجموع ۲۵ عنوان ویژگی فرد سیاست‌پذیر بوده که در این دوازده عبارت خلاصه شده است. شرکت‌کنندگان باید این دوازده عبارت را به ترتیب عام‌گرایی تا تخصص‌گرایی اولویت‌بندی می‌کردند. برای این کار هر شرکت‌کننده باید مجموع دوازده امتیاز را بین عبارت‌ها طوری تقسیم می‌کردند که اولویت شماره یک عام‌ترین و سطحی‌ترین مرحله سیاست‌پذیری فرد و اولویت شماره دوازده تخصصی‌ترین و عمیق‌ترین مرحله از این گویه‌ها باشد.

جدول شماره ۶- اولویت بندی گزاره های انتخابی توسط شرکت کنندگان

محورها	رتبه	مرد	زن	اولویت اول	اولویت دوم	اولویت سوم	اولویت چهارم	اولویت پنجم	اولویت ششم	اولویت هفتم	اولویت هشتم	اولویت نهم	اولویت دهم
علاقه مندی به امور، حوادث و	۲۰	۱۰	۱۰	۲۱	۷	۲							
یخچودار از اطلاعات عمومی													
قادر بر درک و فهم موضوع													
حاضر در محافل اجتماعی و													
اهمیت موضوعی رایج در آن													
دانش و دست یابنده به پیش و													
دانش و دست یابنده به پیش و مطلع در حوزه های سیاسی - اجتماعی:	۲۵	۱۵	۱۵	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
تعمیراتی از طریق ایجاد ارتباط منطقی میان مستقل و حوادث سیاسی:	۲۵	۱۵	۱۵	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
مهندسی و دانشجوی رشته های													
ورود به فعالیت تخصصی در													
تحلیلگری و کارشناسی حوادث													
خبره یا تسلط در عرصه سیا													
مدرس و مروج دانش آموزان													

۴. تجزیه و تحلیل داده ها

همان گونه ملاحظه می شود، از میان عبارات های اولویت بندی شده، برخی از آن ها دارای امتیاز نزدیک به هم هستند که از طریق آزمون غیر پارامتری فریدمن امتیاز عبارات های سه و چهار و همچنین امتیاز عبارات های پنجم تا هفتم و نیز عبارات های هشتم تا دهم و عبارات های یازدهم و دوازدهم بایکدیگر اختلاف معنی دار نداشته ولی نسبت به عبارات های دیگر در اختلاف مناسبی بوده اند که این اختلاف از طریق محاسبه مربع کای و مقایسه آن با جدول ارزش های بحرانی مربع کای به دست آمده است. از آن جهت که اختلاف معناداری برای ایجاد یک مرحله مستقل از بین آن ها وجود ندارد. بنابراین در مقام جمع بندی، طبق جدول شماره هشت، می توان شش ویژگی مستقل از میان دوازده ویژگی را در نظر گرفت که از عمق و شدت درگیری با مقوله سیاست از

نظر دانشجویان کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی اولویت‌بندی شده‌اند. در جدول شماره ۷ می‌توان مشاهده نمود که هر مرحله یا مرحله‌ای که به واسطه عدم اختلاف معناداری میانگین‌ها با یکدیگر ادغام شده‌اند، دارای کلیدواژگانی هستند که در این جدول با رنگ قرمز مشخص شده است. در واقع این کلیدواژگان، کدهایی در جهت نام‌گذاری هر مرحله هستند. به منظور تعیین عنوان برای هر محور که در واقع یک دوره یا مرحله از تعلیم و تربیت سیاسی خواهد بود، نیاز است این مراحل را با مبانی روانشناختی تطبیق داده شود که نتایج آن در ادامه تجزیه و تحلیل مبانی نظری پژوهش به تفصیل ارائه خواهد شد. در صورتی که این تطابق صورت بگیرد می‌توان به نام‌گذاری این دوره‌ها استناد بهتری صورت پذیرد. به منظور جستجوی میزان اعتمادپذیری نتایج به دست آمده از پژوهش، از اندیشه بنجامین بلوم و شاگردان او بهره گرفته می‌شود که به نوعی مراحل گذرگاه یادگیری و تعالی فرد را در جریان آموزش، طبقه‌بندی، مقوله‌بندی و اولویت‌بندی نموده‌اند. بنابراین این مراحل را می‌توان در سه حوزه شناختی، عاطفی و مهارتی مقایسه کرد تا پرسش پژوهش از طریق این انطباق پاسخ داده و اصل فرضیه پژوهش تأیید شود.

جدول شماره ۷- کدگذاری بسته، شش مرحله‌ای، ادغام محورها بر اساس آزمون فریدمن

Mean Reform	Mean Rank	گروه	اولویت‌ها (مراحل)
۱.۳۸			مرحله اول
۲.۱۵			مرحله دوم
۳.۳۳			مرحله سوم
۵.۹۰	5.84	مشارکت‌کننده موثباتر و مطلع در حوزه‌های سیاسی - اجتماعی؛	مرحله چهارم
	6.22	تعمیم‌گیری از طریق ایجاد ارتباط منطقی میان مسائل و حوادث سیاسی؛	

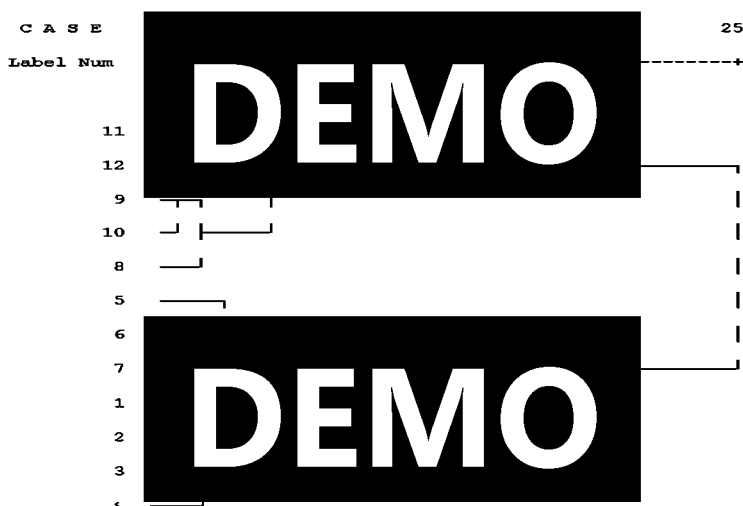
جدول شماره ۸، مربع کای و آزمون معناداری



این دسته‌بندی از طریق تحلیل خوشه‌ای (نمودار دندروگرام) نیز مورد تأیید است. تجزیه و تحلیل خوشه‌ای روشی برای گروه‌بندی داده‌ها یا مشاهدات با توجه به شباهت یا درجه نزدیکی آنها است. تحلیل خوشه‌ای مشاهدات را به‌گونه‌ای در خوشه‌ها یا گروه‌ها ترکیب می‌کند که:

- هر گروه یا خوشه با توجه به ک خصوصیت ویژه همگن است.
 - هر گروه با توجه به همان خصوصیت با گروه‌های دیگر متفاوت است.
- ادغام گزاره‌های مشابه از طریق تحلیل خوشه‌بندی دندروگرام نیز مورد تأیید قرار گرفته است که در نمودار شماره ۲ این دسته‌بندی قابل مشاهده است. از طریق این تحلیل شش خوشه قابل تبیین است که در جدول شماره ۷ نمایش داده شده است.

Dendrogram using Average Linkage (Between Groups)
Rescaled Distance Cluster Combine



نمودار شماره ۲- تحلیل خوشه‌بندی دندروگرام به منظور ادغام گزاره‌ها

۵. یافته‌های پژوهش

در این پژوهش با بررسی تحلیلی مبانی نظری تعلیم و تربیت سیاسی، این نتیجه حاصل می‌گردد که مفهوم سیاست با مفهوم تربیت در دو حوزه درونی و بیرونی متریان مترادف می‌باشد. به بیان دیگر تعلیم و تربیت سیاسی به معنای آغاز تربیت متربی از دنیای فردی به سوی دنیای اجتماعی وی بوده و یک فرد تربیت‌یافته سیاسی از مصلحت درونی خویش به سوی مصلحت بیرونی و اجتماعی خود حرکت می‌کند. به یقین در چنین نظام تربیتی، یک متربی علاوه بر سازندگی درونی به عنوان سازنده جامعه و کشور خویش قلمداد می‌گردد. شاید مهم‌ترین نقطه تمایز میان این برداشت از سیاست با برداشت متعارف دنیای غرب این باشد که سیاست به معنای تربیت و اداره دیگران به نفع شخص سیاستمدار نبوده و بالعکس سیاست به معنای تربیت یک سیاستمدار بالقوه به نفع جامعه و دیگران خواهد بود. بنابراین زمانی که سیاست با تربیت هم‌سنگ نگاشته شود، مبانی سیاسی، فلسفی، تاریخی و جامعه‌شناختی تعلیم و تربیت سیاسی باید به‌گونه‌ای منطقی در کنار و در ارتباط یکدیگر قرار گیرند که به لحاظ نظری مؤید این مفهوم‌پردازی باشند. بیان این نکته حائز اهمیت است که اساساً تربیت و فرآیند تربیتی به صورت آمیخته‌ای از نظرات و رویکردهای نظری، البته با توفیق و برتری دیدگاه‌ها مورد توجه صاحب‌نظران حوزه تعلیم و تربیت قرار گرفته و تغییر و تلفیق رویکردهای تربیتی با توجه به تغییرات متربیان و مؤلفه‌های دیگر در دوره‌های تربیتی، امری ضروری است.

با بررسی مبانی سیاسی تعلیم و تربیت و با منطبق تربیتی سیاست، به نظر می‌رسد نظام تربیتی با رویکردی محافظه‌کارانه که دارای ویژگی‌های فرهنگ‌پذیری، انتقال فرهنگی و انطباق اجتماعی است به آموزش سیاسی پرداخته و پس از تربیت نسل آشنا و آگاه با ارزش‌های بومی و فرهنگی و هنجارهای اجتماعی در دنیای فردی متربیان به اتخاذ رویکرد آزادمنشانه با ویژگی‌های تربیت شهروندان مسئول، متفکر و نقش‌آفرین اجتماعی در دنیای اجتماعی آنان اقدام می‌نماید. این بدان معنی است که یک متربی تعلیم و تربیت سیاسی ابتدا با حقایق و وقایع مبتنی بر فطرت درونی و ارزش‌های فطری و بشری آشنا می‌شود و پس از شکل‌گیری هویت ارزشی خویش به جامعه رقابت‌مدار و قدرت‌مدار بیرونی با هدف تصمیم‌گیری مبتنی بر مصلحت غیر و نه صرفاً منافع شخصی وارد

می‌گردد. لذا در این نظام، سیاست و تربیت به یک هدف نگریسته می‌شوند. در خصوص مبانی فلسفی تعلیم و تربیت سیاسی، متریبان با نگاه تربیت درونی و فردی مورد توجه قرار می‌گیرند و با هدف ورود به جامعه و اجتماع، رویکرد تربیت به تربیت گروهی و بیرونی متمایل می‌گردد. پیشتر بیان شد که فلسفه اسلامی تعلیم و تربیت سیاسی با توجه به اصول وفاداری، حق‌مداری، عدالت‌محوری، عقل‌گرایی، مشارکت‌طلبی و مسئولیت‌پذیری بیان‌گر این موضوع است که تربیت از درون‌متریبی آغاز شده و به اصول بیرون‌شخصیت وی گسترده می‌شود. از وفاداری شروع می‌شود و به مسئولیت‌پذیری می‌رسد. لازمه مشارکت‌طلبی، روحیه حق‌مداری و عدالت‌محوری است. عقل‌گرایی بدون حق‌مداری و نیاز به عدالت ابر است. یک مسئول سیاسی باید وفادار، حق‌مدار، عادل، عاقل و کنش‌گر باشد. بنابراین مبانی فلسفی تعلیم و تربیت سیاسی با توجه به اصول اخلاقی برگرفته از آموزه‌های اسلامی به بنیان‌های معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی و انسان‌شناختی پرداخته و بر اساس شکل‌گیری اهداف بینشی و ارزشی، یک فرد را با کمک آموزش‌های شناختی و علمی سیاسی برای مهارت‌ها و مسئولیت‌های اجتماعی آماده می‌سازد.

در مورد مبانی جامعه‌شناختی تعلیم و تربیت سیاسی، توجه به دو حوزه تربیت و آگاهی فردی و آماده‌سازی و جامعه‌پذیری اجتماعی متریبان حائز اهمیت است. بدین معنا که با آموزه‌های پدیدارشناسی و ملاحظات فردی مبتنی بر آگاهی عمیق، متریبی به یک شهروند مسئولیت‌پذیر و نقش‌آفرین اجتماعی به دور از فشارها و سوگیری‌های منفعت‌طلبانه حزبی تبدیل می‌گردد. در دیدگاه سیاست به معنای تربیت، متریبی برای مصالح جمعی با هدف سازندگی اجتماعی و رشد فرهنگ جامعه با ابزار همکاری و همیاری تلاش می‌کند و صرفاً به دنبال نگرش انتقادی و برهم زدن آرامش اجتماعی به بهانه آگاهی اجتماعی و طبقاتی نیست. اگرچه لازمه هر پیشرفت و ارتقای اجتماعی در آگاهی عمومی است، اما بهره‌مندی و تربیت نگرش ایجابی به جای نگرش سلبی می‌تواند در آرامش‌بخشی محیط اجتماعی و حرکت به سمت توسعه پایدار مفید و مؤثر واقع شود.

بررسی مبانی تاریخی تعلیم و تربیت سیاسی در ایران، مؤید این نکته است که سیاست در ادوار مختلف با برداشت‌های متفاوتی همراه بوده است. در دوره‌های

مختلف سیاست به معنای قدرت فردی، تربیت اخلاقی و دینی، تربیت فردی تخصصی، تربیت اجتماعی و غیره بوده است. آنچه در این خصوص اهمیت دارد آنکه سیاست باید بر اساس مبانی اعتقادی و ارزشی به تربیت عمومی افراد با هدف شکوفایی استعداد های اجتماعی و متخصصان حوزه‌های علمی اقدام نماید. در این نظام، سیاست به معنای قدرت فردی یا حتی دولت فردی معنا نمی‌شود. سیاست به معنای تربیت اجتماعی بدون مبانی دینی و ارزشی نیست. اساساً تربیت بدون مبانی ارزشی و هنجاری بی‌معنا خواهد بود. همان‌گونه که اشاره شد، ارزش مورد توجه تعلیم و تربیت سیاسی برخواسته از اصول خدامحوری، فطرت‌محوری، تزکیه‌محوری، اخلاق‌مداری، ایجاد آگاهی و بصیرت و اهمیت محوری امر به معروف و نهی از منکر است. لذا تربیت سیاسی که صرفاً بر مبنای ارزش‌های جمعی شکل بگیرد به واسطه تزلزل در ارزش‌های فردی و عدم نهادینه‌سازی ارزش‌های درونی و فطری از ثبات لازم برخوردار نخواهد بود. تجارب تاریخی مؤید این مهم هستند.

آنچه از بررسی مبانی روانشناختی تعلیم و تربیت سیاسی به‌دست آمد آنکه با نگاهی به مراحل مطرح شده در سه حیطه یادگیری بنجامین بلوم^{۳۳} و آنچه به‌عنوان کلید واژه‌های مطرح در گذرگاه سیاست‌پذیری از آن یاد شد به نظر می‌رسد، تناظری بین مراحل هر سه حوزه وجود دارد که موضوعی دور از انتظار نیست. برای تسلط به حوزه سیاسی، متربی در گام اول باید حوزه تجربه و علائق خود را ساماندهی کند که از آن باعنوان آگاهی سیاسی یاد شد که عمل سیاسی در این حوزه از طریق مشاهده و تقلید به‌دست می‌آید؛ بدین معنا که ورود به عالم سیاست یا گذرگاه سیاست‌پذیری برگرفته از علائق و تجارب احساسی فرد از پیرامون خود است. این مرحله را در میان مراحل حیطه شناختی به سختی می‌توان جستجو کرد اما به نظر می‌رسد انطباق دقیق‌تری با مراحل نخست حیطه عاطفی بلوم یعنی توجه‌کردن یا دریافت تجربی - حسی و حیطه روانی - حرکتی با عنوان مشاهده و تقلید داشته باشد. بنابراین در این گذرگاه این مرحله با توجه به تعاریفی که از آگاهی ذکر شد اندکی متقدم و با فاصله محقق می‌شود. در مرحله بعدی انتظار می‌رود متربی به دانش عمومی در حوزه مفاهیم سیاسی رسیده و دانش سیاسی را در اختیار خود گرفته باشد که از این مرحله نیز باعنوان دانش سیاسی

یاد شد. بنابر تعاریف یادشده از مرحله دانش، متربی باید بخش عمومی موضوعات سیاسی و تعاریف منتج از آن را فراگیرد و مقدمه مرحله بعد یعنی درک و فهم را فراهم آورد، این تعبیر از دانش سیاسی به منزله دانستن اطلاعات سیاسی است و نه دانایی در این حوزه. آنچه از یک باسواد سیاسی انتظار می‌رود (طبق تعاریف مرور شده) حوزه درک و فهم مطالبی است که در دو مرحله قبل آموخته است. همان‌طور که گفته شد آنچه فردی را باسواد می‌سازد توانایی کدگذاری و کدگشایی در گفتگوی‌های حاکم بر یک حوزه است که به نظر می‌رسد شخصی که دو مرحله قبل یعنی حوزه آگاهی و دانش را گذرانده باشد بتواند همچون یک باسواد در گفتگوها و تعاملات اجتماعی و سیاسی، حضور ذهنی و جسمی داشته باشد و به بیان دیگر در حیطه روانی - حرکتی بتواند شروع مناسبی برای اجرای مستقل از توانایی‌های کسب شده در مراحل قبل، داشته باشد. در واقع یک فرد باسواد دارای دانش عمومی درباره موضوعات سیاسی و جریان‌ات اجتماعی است. در حیطه عاطفی نیز انتظار می‌رود این شخص بتواند نسبت به محرک‌های پیرامون خود پاسخی با دقت و درخور ارائه کند.

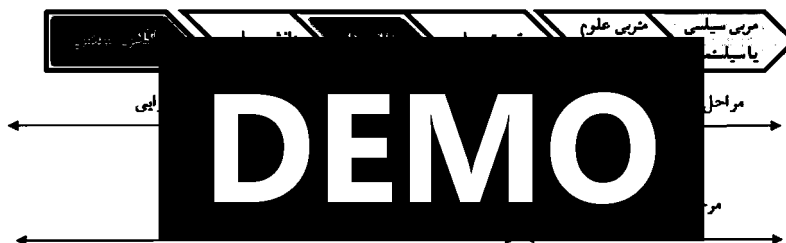
در مرحله بعد غرض از تربیت سیاسی فرد، این خواهد بود که وی کاربرد مطالب و آموخته‌های خود مبتنی بر تجزیه و تحلیل دانش عمومی خود را در عرصه اجتماعی و سیاسی داشته باشد و بتواند مفاهیم مطرح را در زندگی خود نیز به کار ببندد. از نگاه مهارتی نیز انتظار می‌رود او بتواند فعالیت‌ها و تصمیمات خود را با سرعت، دقت و مصلحت به اجرا گذارد. همان‌طور که بحث شد اگر سیاست را معادل فعالیت‌های حوزه علوم سیاسی و نه نگاه تدبیرگرایانه و مسئولیت محور مبتنی بر مصلحت فردی و اجتماعی تلقی کنیم به‌نظر می‌رسد توجیه وجود چنین مرحله برای عامه مردم که به سیاست اشتغال ندارند کاری عبث باشد؛ در صورتی که نسبت به تعاریف کلاسیک و بومی سیاست، چنین مرحله‌ای بیش از هر چیز در عرصه سیاست مبتنی بر مصلحت فردی و اجتماعی مطلوب نظر صاحب‌نظران خواهد بود. لذا با مرور تعاریف یاد شده، تربیت یافته سیاسی کسی است که بتواند قوه تحلیل خود را در شناخت فردی و روابط بین‌فردی به‌کار بگیرد و اهداف مبتنی بر مصلحت و آینده‌نگری را در این حوزه محقق سازد. از نگاه عاطفی بتواند ارزش‌گذاری لازم را بر اساس شناخت به‌دست آمده درباره

وقایع و مسائل پیرامون خویش محقق سازد. مهارت‌های ذهنی از جنس سطوح بالاتر مراحل بلوم یعنی ارزشیابی و ترکیب (به تعبیری آفرینندگی) را می‌توان در گذرگاه سیاست‌پذیری به مراحل انتهایی ماکول نمود و انتظار داشت که متریبان علوم سیاسی در صورتی که در معرض فرآیند درست تعلیم و تربیت سیاسی یا سیاست‌پذیری قرار گیرند توان ارزشیابی در حیطه شناختی و هماهنگی فعالیت‌ها در مهارتی را داشته باشد. در همین مرحله سازماندهی نظام ارزشی در حیطه عاطفی نیز مورد انتظار یک متریبی سیاسی است. ترکیب مبانی علوم سیاسی در یک کلیت یکپارچه از نظر شناختی و عادی شدن فعالیت‌ها در حیطه مهارتی برای مربی سیاسی یا سیاستمدار توانمند و خبره در ارزشیابی و سنجش امور در حیطه شناختی دانش، مورد انتظار است. لذا در این مرحله از حیطه عاطفی، یک مربی سیاسی یا سیاستمدار توانایی شخصیت‌پردازی و اشتراک‌گذاری دانشی مبتنی بر ترکیب شناختی را خواهد داشت. نمودار شماره ۳ و جدول شماره ۴ به جمع‌بندی تحلیلی نکات فوق می‌پردازد.

حیطه‌های یادگیری شناختی، عاطفی و مهارتی بلوم



اشکال تعلیم و تربیت سیاسی



نمودار شماره ۳- مقایسه سه حیطه یادگیری با اشکال تعلیم و تربیت سیاسی

جدول شماره ۱۰- جدول مقایسه‌ای مراحل رشدی و مراحل تعلیم و تربیت سیاسی با مراحل شناختی بلوم

مراحل شناختی بلوم	مراحل شناختی بلوم		مراحل رشدی	نام گذاری	مراحل تعلیم و تربیت سیاسی
	شناختی	روایی-عمرگرا			
دانش	دانش سیاسی	دانش سیاسی	دانش سیاسی	دانش سیاسی	دانش سیاسی
تحلیل	تحلیل	تحلیل	<ul style="list-style-type: none"> • کرده نظری • حداکثر تحول عقلی • نوارزایی پیرامون • تحلیلی درونی متناسب بر 	فهم و درک	سواد سیاسی
کاربرد	کاربرد	کاربرد	<ul style="list-style-type: none"> • ارزشی • تجزیه به امور سیاسی • قضایات و مستجبات و • ارزیابی پیرامون • سازگاری 	کاربرد ادین	تربیت سیاسی
ترکیب	ترکیب	ترکیب	<ul style="list-style-type: none"> • سرعت و وقت 	سازماندهی	عقربندی سیاسی
ارزشیابی	ارزشیابی	ارزشیابی	<ul style="list-style-type: none"> • سازماندهی • نظام • ارزشیابی • شخصیت • بردار 	ارزشیابی	سیاست‌مدار

بنابراین بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان دریافت که گذرگاه سیاست‌پذیری شامل شش مرحله، از ابتدایی‌ترین و مبتدی‌ترین مراحل تعلیم و تربیت سیاسی تا تخصصی‌ترین مراحل آن است. این گذرگاه از آگاهی سیاسی شروع شده و پس از برخورداری از دانش و اطلاعات سیاسی به مرحله برخورداری از سواد سیاسی ورود می‌نماید. با نهادینه شدن

مرحله سواد، تربیت سیاسی رقم خورده و فرد تربیت شده در دوره آموزشی عام به عنوان مربی سیاسی وارد دوره آموزش تخصصی شده و در نهایت به بالاترین مرحله تعلیم و تربیت سیاسی تحت عنوان سیاست‌مدار و مربی سیاسی ختم می‌گردد. نکته حائز اهمیت، در کنار جریان آموزش سیاسی، جریان مستمر یادگیری تجربی قرار دارد که سبب می‌شود، یادگیری در گذرگاه سیاسی انتهایی نداشته باشد و مراحل آن به واسطه یادگیری تعمقی استمرار داشته باشد. جدول شماره ۱۱ به جمع‌بندی تحلیلی گذرگاه سیاست‌پذیری مبتنی بر اصول تعلیم و تربیت سیاسی اشاره دارد.

جدول شماره ۱۱، جمع‌بندی گذرگاه سیاست‌پذیری مبتنی بر اصول تعلیم و تربیت سیاسی

انکشاف تعلیم و تربیت سیاسی در مراحل گذرگاه سیاست‌پذیری	
عمل	نظر
در حوزه مسائل روز، نمای منطقه ای و جهانی؛	خلاصه: دریافت عمومی و تحلیل تف
رئیس، واکاوی رویدادها،	کلید واژه‌ها: علا رمزگردانی و رمزگشا
تربیت	آگاهی
خلاصه: نقش، مهارت و فهم و درک مبتنی بر آغاز مرحله‌ای منتهی به حضور فعال در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، آموزشی و	خلاصه: این اصطلاح را معادل احاطه و دریافت تجربی دانسته اند که می تواند پایین‌ترین سطح احاطه شناختی شخصی از یک موضوع یا عرصه محسوب شود
تحلیل جریان‌های سیاسی اجتماعی	علاقه‌مندی و تجربه تاریخ سیاسی
کامل قرار گرفته در نتیجه باق می‌انفاده است.	خلاصه: دانش دانسته روابط و اتفاقات در
آگاهی از تئوری‌ها و نظریه‌های سیاسی، ورود به فعالیت سیاسی	افزایش دایره اطلاعات و لغات سیاسی، شناخت نظام‌های سیاسی و جغرافیای سیاسی و احزاب حاکم سیاسی
مربی - سیاست‌مدار	سواد
و شیوه‌های آموزش و	خلاصه: توانایی خاص و ویژه در مو
مور سیاسی	فهم و درک مسائل، مبتنی بر دانش سبب
و سخت	
سی	

جمع‌بندی و ارائه پیشنهادها

دستاوردهای پژوهش حاضر در خصوص اصول آموزشی گذرگاه سیاست‌پذیری بر این نکات تأکید دارد که برنامه‌درسی مبتنی بر سیاست‌پذیری بومی قائم بر مفاهیمی چون تدبیر، مصلحت‌اندیشی، حکمت و آینده‌نگری است که این موضوع در مقایسه با جنبه جهانی سیاست‌پذیری که صرفاً قائم بر مفاهیم دولت، حکومت و قدرت است برنامه‌ای مفصل‌تر و مفضل‌تر را طلب می‌کند. لازم به توضیح است که در تعاریف سیاست کلاسیک و بومی مفاهیم و جنبه‌های جهانی آن نیز مدنظر خواهد بود ولی مفاهیم مصلحت‌اندیشی، حکمت و تدبیر و آینده‌نگری افزون بر آن مورد تأکید بیشتری است. توضیح اینکه این مفاهیم متضمن بومی در مراحل آغازین گذرگاه سیاست‌پذیری و به عنوان اساس و پایه مفاهیم جهانی آن در پایان طیف سیاست‌پذیری قابل طرح است. در نگاهی دیگر مراحل ابتدائی و اساسی گذرگاه سیاست‌پذیری (متناظر بر جنبه بومی آن)، یعنی مراحل آگاهی، دانش، سواد و تربیت سیاسی بیشتر بر ابعاد نظری و فلسفی علم سیاست تأکید داشته و مراحل انتهایی این گذرگاه (متناظر بر جنبه جهانی آن) یعنی مراحل متری و مریبی سیاسی بر ابعاد عملی و تخصصی علم سیاست دلالت دارد که بدیهی است مراحل ابتدائی به عنوان پیش‌زمینه و مقدمه‌ای بر مراحل متأخرتر عمل می‌کنند.

از جمع‌بندی دو نکته فوق می‌توان این مسئله را استنتاج نمود که مراحل بومی گذرگاه سیاست‌پذیری قابل پیشنهاد و طرح در دوره تحصیلی دانش‌آموزی و به صورت عمومی است و بالتبع مراحل جهانی گذرگاه سیاست‌پذیری به صورت تخصصی از دوره آموزش عالی آغاز می‌شود و به صورت دانشجویی قابل طرح است. بنابراین ورود به مرحله جهانی و تخصصی سیاست‌پذیری بدون گذران مراحل بومی و عمومی آن امری ابتر و به دور از اثربخشی لازم خواهد بود.

جریان سلسله‌مراتبی تعلیم و تربیت سیاسی حفظ شده است. درحالی‌که هر مرحله مستقل از دیگری است اما بر روی یک محور قرار دارد. هر چه که به سطوح بالاتر تخصص دست یافته می‌شود جریان از یک پهنه گسترده به تمرکز در سطحی مرتفع‌تر دست پیدا می‌کند. این جریان از یک بعد عام‌گرایی به سوی تخصص‌گرایی حرکت می‌کند.

تحصیل در هر مرحله بر اساس داده‌های مرحله قبل صورت می‌پذیرد. محتوای مطرح در آن تلفیقی از مجموع محتوای مراحل قبل است. این نوعی تفکر گشتالتی را که دیدی کل‌نگر به یادگیرندگان تحت هدایت مربیان می‌دهد که از جزئیات کاسته شده و به‌سادگی کل نزدیک می‌شوند را به دنبال خواهد داشت.

الگوی کلی مارپیچی بوده که علاوه بر حرکت در سطح و هر پهنه به‌سوی تعالی و رو به بالا نیز هست. در عین حال تمرکزگرایی به مفهوم حرفه‌ای‌گری نیز در آن لحاظ شده است. نمودار شماره ۴ الگوی مفهومی نتایج پژوهش را نشان می‌دهد.



نمودار شماره ۴، الگوی مفهومی مبانی نظری و اصول آموزشی گذرگاه سیاست‌پذیری با توجه به دستاوردهای پژوهش موصوف، پیشنهادهای ذیل در زمینه تعلیم و تربیت سیاسی ارائه می‌گردد:

۱. توجه به مراحل گذرگاه سیاست‌پذیری برگرفته از مراحل حیطة‌های سه‌گانه یادگیری در طراحی و تولید برنامه‌های درسی کشور مسئله‌ای حائز اهمیت است که پیشنهاد می‌گردد نسبت به تبیین مراحل برنامه‌ریزی درسی مانند هدف‌گذاری، تولید محتوا، سازماندهی فعالیت‌های یاددهی و یادگیری و

- ارزشیابی با اهداف یادگیری گذرگاه سیاست‌پذیری نیازی اقدام گردد.
۲. پیشنهاد می‌شود با توجه به اهمیت موضوع تعلیم و تربیت سیاسی در آموزش رسمی جمهوری اسلامی ایران و بر اساس اسناد بالادستی به ویژه سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش مبنی بر لزوم پرداختن به موضوع آموزش سیاسی، نسبت به ارزیابی میزان توجه به مراحل گذرگاه سیاست‌پذیری در برنامه درسی به ویژه محتوای آموزشی دانش‌آموزان بر مبنای اهداف برنامه اقدام و در خصوص اصلاح یا تدوین مجدد برنامه‌های درسی تصمیم‌گیری گردد.
۳. پیشنهاد می‌گردد طراحان و برنامه‌ریزان درسی در مواجهه و آموزش عملی مفهوم سیاست در برنامه‌های درسی نظام تعلیم و تربیت کشور، بر مبنای دو مرحله عام‌گرایی و خاص‌گرایی گذرگاه سیاست‌پذیری مبتنی بر تکالیف رشدی دانش‌آموزان و دانشجویان در مقاطع ابتدایی اول و دوم، متوسطه اول، دوم و تحصیلات عالی اهتمام و توجه بیشتری نمایند.

یادداشت‌ها

1. Carpini
2. Keeter
3. Davies
4. Hugh Bochel
5. Anna Douglas
6. Bernard Crick & Porter
7. Political Awareness
8. Political Knowledge
9. Political Literacy
10. Political Education
11. Political Student
12. Political Educator
13. Politician
14. Pathways of Politicization
15. Q- items
16. Selecting the P (participant) set
17. Collecting Q Sort Data
18. curriculum
19. Evolutionary Theory
20. Functionalist Theory
21. Conflict Theory
22. Reconstructionism
23. Social Literacy Training
24. Social Action

25. Social Reconstructionism
26. Conservative Approach
27. Critical Approach
28. Democratic Approach
29. Postmodern Approach
30. Michael Sadler
31. Purposive Sampling
32. Homogeneous
33. Bloom

کتابنامه

- ارسطو (۱۳۷۱). سیاست، ترجمه حمید عنایت، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چ سوم
- افلاطون (۱۳۸۶). جمهور، ترجمه: فواد روحانی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ویرایش هشتم
- باقری، محمد. (۱۳۸۹). تأثیر تربیت سیاسی بر توسعه سیاسی از دیدگاه اسلام و غرب، مجله علوم انسانی دانشگاه امام حسین (ع)، شماره ۸۰، بهمن ۱۳۸۹، صفحه ۱۶ تا ۱۳۳.
- خوشگویان فرد، علیرضا (۱۳۸۶). روش‌شناسی کیو، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات سازمان صداوسیما.
- رضوانی، محسن و همکاران (۱۳۸۷). تربیت سیاسی: چستی، آسیب‌ها و راهکارها، قم: جامعه المصطفی‌العالمیه، راه تربیت، سال دوم، شماره پنجم، صفحه ۱۱ تا ۲۵.
- رضوی، عباس و همکاران (۱۳۸۹). بررسی تربیت سیاسی در برنامه درسی رسمی دوره ابتدایی، مجله روانشناسی تربیتی، شماره ۱۶، صفحه ۱۹ تا ۵۸
- روشه، گی (۱۳۷۰). کنش اجتماعی، ترجمه هما زنجانی‌زاده، مشهد: دانشگاه فردوسی، چاپ دوم
- سلحشوری، احمد و همکاران (۱۳۹۱). مبانی و مؤلفه‌های تربیت سیاسی از دیدگاه امام خمینی (ع)، پژوهشنامه انقلاب اسلامی (دانشگاه همدان)، شماره ۵، از ۱۱۱ تا ۱۲۶.
- شربتیان، محمد حسن (۱۳۹۱). تأملی بر فرآیند جامعه‌پذیری مسئولیت اجتماعی جوانان، مهندسی فرهنگی، سال هفتم، شماره ۷۳ و ۷۴.
- علمی، محمود (۱۳۸۷). جنسیت، آگاهی سیاسی و مشارکت سیاسی دانشجویان. زن و مطالعه خانواده، شماره ۱، صفحه ۱۳۷ تا ۱۵۶.
- فرمهبینی فراهانی، محسن (۱۳۸۹). تربیت شهروندی، تهران: آبیژ.
- قوام، سید عبدالعلی (۱۳۸۱). سیاست‌های مقایسه‌ای، تهران: سمت، چاپ چهارم
- کوئن، بروس (۱۳۸۰). مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه و اقتباس غلام‌عباس توسلی و رضا فاضل، تهران: انتشارات سمت.
- گوتک، جی (۱۳۷۴). مکاتب فلسفی و آرای تربیتی، ترجمه محمدجعفر پاک‌سرشت. تهران: سمت.
- مسعودنیا، حسین و دیگران (۱۳۸۸). تأثیر آگاهی سیاسی دانشجویان بر تغییر نگرش آن‌ها نسبت به مشروعیت نظام سیاسی بر اساس نظریه وبر: مورد مطالعه دانشگاه اصفهان، پژوهشنامه علوم سیاسی،

شماره ۱۶، صفحه ۲۰۱ تا ۲۳۰.

معروفی، یحیی (۱۳۹۴). دیدگاه اجتماعی برنامه‌درسی، دانشنامه ایرانی برنامه‌درسی معین‌آبادی، حسین، سلطانی، اصغر (۱۳۹۴). بررسی نقش دانشگاه در بهبود مؤلفه‌های آموزش سیاسی دانشجویان (مطالعه موردی دانشگاه شهید باهنر کرمان)، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۴۱، از ۶۷ تا ۹۴. میراحمدی، منصور (۱۳۸۷). اصول و مبانی تربیت سیاسی در متون و منابع دینی، مطالعات فقه تربیتی، شماره ۵ از صفحه ۹۵ تا ۱۲۲.

میلر، جی. پی (۱۳۸۷). نظریه‌های برنامه‌درسی، ترجمه محمود مهرمحمدی، تهران. سمت. نادرپور، بابک. (۱۳۸۲). تأثیر خانواده و مدرسه در تربیت سیاسی و اجتماعی نوجوانان و جوانان، جمع‌ای از صاحب‌نظران، خانواده و تعلیم و تربیت، تهران: انجمن اولیاء و مربیان، صفحه ۱۷۷ تا ۲۰۴. نیلی، محمدرضا و همکاران (۱۳۹۳). بررسی میزان سواد سیاسی و اجتماعی شهروندان بزرگسال شهر اصفهان، مجله جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۵، شماره پیاپی ۵۴، شماره دوم، صفحه ۴۹ تا ۶۰.

Bochel, Hugh (2009). Political literacy. In: Active learning and active citizenship: theoretical contexts. C-SAP, The Higher Education Academy Network, pp. 150-168. ISBN 1902191382

Chantia, Alok. (2006). Education as a Means of Social Change – Study with Regard to Dhankut, a Group Living in District Bahraich, Uttar Pradesh. *Anthropologist*, 8(4):267-274.

Davies, I. and at al, (2013). Political Literacy in Japan and England, *Citizenship, Social and Economics Education*, Volume 12 Number 3 2013, www.worlds.co.uk/CSEE

Douglas, A. (2002). Educating for real and hoped for political worlds: Ways forward in developing political literacy. Retrieved May 15, 2011, from http://www.citized.info/pdf/commarticles/Anna_Douglas.pdf

James P. Pitts (1975). The Politicalization of Black Students: Northwestern University, *Journal of Black Studies*, Vol. 5, No. 3, Working Papers in the Study of Race Consciousness, Part 1, pp. 277-319

Lee, S. (1997). "Political Education and Civil Education – The British Perspective and the Hong Kong Perspective", *International Journal of Educational Development*, 7(4), 243-250.

Moon, S (2012). Cultural transition: Curricular discourse with internalization of curriculum, *transnational curriculum inquiry*, 9 (1) 1- 19

Niemi, R., & Junn, J. (1998). Civic education: what make students learn. New Haven: Yale University Press